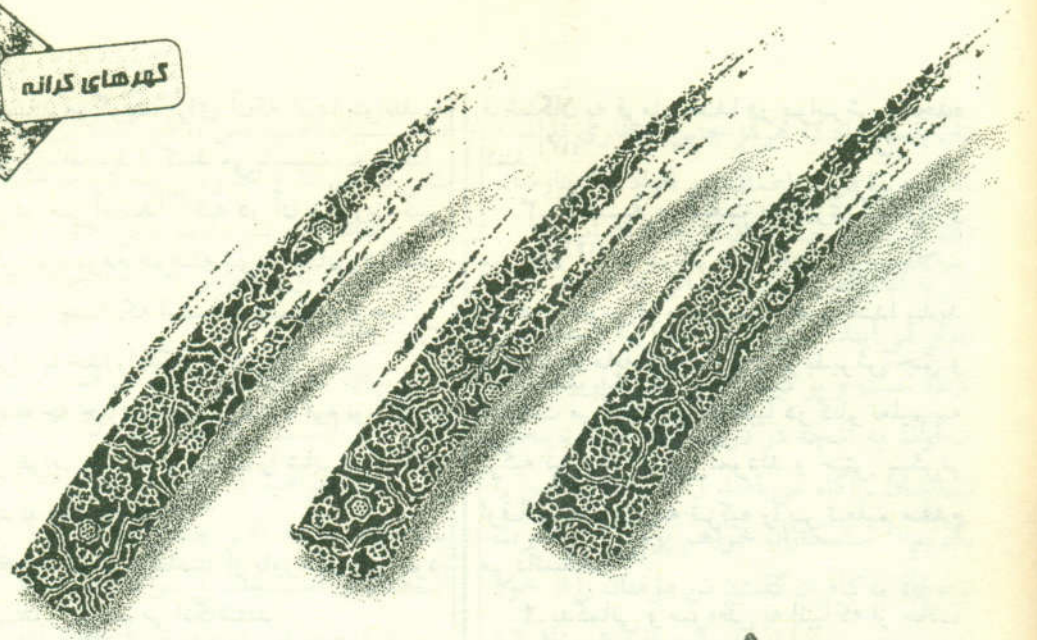




منشأ و سرانجام بت پرستی در داستان حضرت نوح علیه السلام

سید محمد علی داعی نژاد

قسمت دوم

اشاره:

داستان به اینجا رسید که قوم نوح علیه السلام دعوت پیامبرشان را نپذیرفتند و گفتند تو بشری همانند ما هستی و هیچ برتری بر ما نداری؛ به علاوه پیروانت جزو فرومایگان اند، از این رو دروغگو هستی و ادعایت افترا بی بیش نیست. در ادامه داستان، به پاسخ حضرت نوح علیه السلام از زبان قرآن و نیز بقیه ماجرا می پردازیم:

حضرت نوح علیه السلام به قومش پاسخ داد: ای قوم من، انکار نمی کنم که من نیز بشری مثل شما هستم، نه فرشته ام و نه علم به غیب دارم ^(۱) اما این موجب نمی شود تا از جانب

پروردگار دارای معجزه و رسالت نباشم و اگر چنین باشد و شما چشمان خود را بر این حقیقت ببندید، من چگونه می توانم شما را به پذیرش آن وادارم؟ ^(۲)

خداوند به این دلیل رسولان خود را از جنس بشر قرار داد تا به مخاطبان وحی نشان دهد دستورات الهی به تناسب توان بشری صادر شده است. از آن جا که انسان مایل است همواره در زندگی الگویی داشته باشد، همین پیامبر می تواند بهترین سرمشق او بوده و باعث ترغیب و تشویق وی به دین خدا گردد؛ گذشته از آن اگر خداوند فرشتگانی را به

رسالت برمی‌گزید، برای آن‌ها بتوانند با مردم ارتباط برقرار کنند می‌بایست به شکل بشر در می‌آمدند^(۳) که در آن صورت نیز ممکن بود مردم فرشته بودن آنان را انکار نمایند؛ چنان‌که ارتباط غیبی و وحیانی پیامبران با خدا را انکار کردند.^(۴)

*** چه چیزی باعث می‌شد تا قوم نوح^(۵) و سایر اقوام، رسالت و نبوت را شأن فرشتگان بدانند نه شایسته بشر؟^(۵)

* این گمان برخاسته از باورهای زیر بود که آن‌ها را مسلم می‌انگاشتند:

۱- انبیاء را کاملاً همانند خود می‌پنداشتند^(۶) و شاهدشان این بود که آنان مانند ما می‌خورند و می‌آشامند و طعام و نوشیدنی آن‌ها همان چیزهایی است که ما می‌خوریم^(۷) و بدین ترتیب فضیلت و برتری را در ظاهر می‌جستند و ظاهر انبیاء را با خود یکی می‌دیدند؛^(۸) در صورتی که حقیقت انسان به روان و روح اوست^(۹) و تفاوت در آن، مایه برتری یا فروتری است.^(۱۰)

۲- منزلت فرشته را برتر از انسان می‌دانستند^(۱۱) و لذا معتقد بودند اگر رسالت از جانب خدا امری حقیقی می‌باشد، حتماً خدا آن را به عهده فرشتگان می‌گذاشت.^(۱۲) شکی نیست این گمانی باطل است؛ زیرا آدمیان که با اختیار خود راه حق را بر می‌گزینند و پا بر هوای و هوس می‌نهند و در برابر خواسته‌های متضاد، فرمان الهی را انتخاب می‌کنند، مقامی والاتر از فرشتگانی دارند که اگر نافرمانی خدا نمی‌کنند از آن رو است که چنین امکانی برایشان وجود ندارد. همین منزلت آدم بود که موجب گشت تا

فرشتگان به فرمان خدا در برابرش سجده کنند.^(۱۳)

۳- روحیه حقیقت ستیزی کافران و مشرکان^(۱۴) که در اثر فرورفتن در منجلاب هواها و هوس‌ها و پرستش غیر خدا پدید آمده بود، مایه کراهت آنان از پذیرش حق و حقیقت می‌گشت و لذا انبیاء در کنار تعلیم به تزکیه نیز دعوت می‌نمودند و حتی بیشتر اوقات دعوت به تزکیه را بر تعلیم مقدم می‌دانستند.^(۱۵)

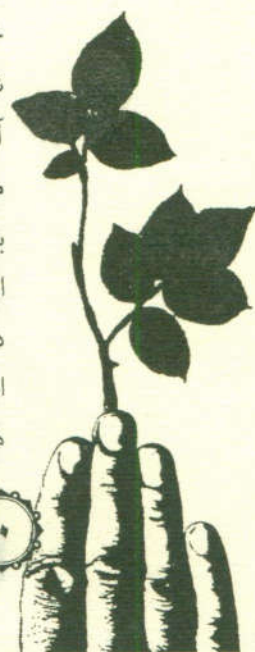
۴- بدگمانی و سوءظن به انبیاء که از جانب معاندان در میان مردم رواج یافته بود^(۱۶)، مانع دیگری در قبول حقیقت و پذیرش دعوت انبیاء و درک واقعیت بود.

*** از آنچه گذشت چه درسی می‌توان فرا گرفت؟

* این‌که رهبران الهی را در عصر خود بشناسیم و در این شناسایی به اخلاق و رفتار آدمیان نظر کنیم نه به ظاهر آنان؛ هم‌چنین نسبت به این مردان الهی و اولیاء خدا دچار بدگمانی نشده و مواظب تأثیر سوء تبلیغات دشمنان دین باشیم؛ از خدعه شیطان نیز باید بترسیم و متوجه باشیم ارتکاب گناهان و پرهیز از عمل به فرامین الهی، موجب پیدایش روحیه حق ستیزی و کراهت از پذیرش حقیقت می‌شود.

*** حضرت نوح^(۱۷) چگونه از یاران تهیدست خود در برابر تحقیر ثروتمندان قوم حمایت می‌کرد؟

* حضرت نوح^(۱۸) که می‌دانست ثروتمندان و قدرتمندان قومش انتظار دارند تا او پیروان تهیدست و فقیر را از خود براند، به



آنان پاسخ داد که هرگز چنین انتظاری نداشته باشید زیرا من از اعمال این افراد و کردارشان آگاه نیستم و حسابشان با خداوند است. (۱۷) وی به آنان گفت: من به کسانی که در نظر شما خوار می آیند، نمی گویم خدا به شما خیر نداده است و بر دیگران برتری ندارید، بلکه خداوند به آنچه در درون آنهاست - یعنی ایمانشان - آگاه می باشد و اگر خلاف این را بگویم از ستمکاران خواهم بود. (۱۸) حضرت نوح علیهِ السلام به کافران گفت: من مؤمنان را از خود نمی رانم زیرا اینان کسانی هستند که شایستگی دیدار پروردگار را دارند و به لقای او خواهند رسید در حالی که شما را قومی نادان می بینم که در جهالت و نادانی فرو رفته اید. (۱۹)

به هر حال، حضرت نوح علیهِ السلام توهم آنان را باطل و منشأ فرومایگی را نه فقر و تهیدستی بلکه جهالت و نادانی و محروم ماندن از درک حقیقت دانست. حضرت نوح علیهِ السلام ایمان مؤمنان را مایه شرف و منزلت آنان برشمرد و از این رو، راندن آنان را مایه خشم الهی و دچار شدن به عذاب الهی دانست.

*** سرانجام این گفت و گوها چه شد؟

* حضرت نوح علیهِ السلام سالیان متمادی به تبلیغ و ارشاد قومش پرداخت و آنان را شب و روز به خداپرستی و تقوای الهیه فرا خواند؛ (۲۰) اما دعوت نوح علیهِ السلام در آنان تأثیر نمی گذاشت و با گذشت نزدیک به هزار سال فقط حدود ۸۰ نفر به وی ایمان آوردند. (۲۱) بنابر نقل قرآن، دعوت او تنها مایه گریز آنان می شد و هرگاه نوح علیهِ السلام آنان را می خواند تا با خداپرستی مشمول مغفرت خدا شوند، آنان

انگشتان خویش را در گوش هایشان می گذاشتند و خود را با لباس هایشان می پوشاندند و بر بت پرستی خود اصرار می کردند و از پذیرش عبادت خدا تکبر می ورزیدند. (۲۲)

نوح علیهِ السلام به آنان می گفت: ای قوم من، از بت پرستی دست بردارید و آمرزش گناهاتان را از خدا بخواهید که خداوند بسیار بخشنده است و بدانید اگر چنین کنید، خداوند آب های آسمان را برای حاصلخیزی زمین های شما فرو می ریزد و با عطای اموال و فرزندان، شما را یاری می کند و در آینده (قیامت) برای شما بهشت هایی با جویبارهایی روان قرار می دهد. (۲۳) حضرت نوح علیهِ السلام برای متوجه کردن قومش به عظمت و حضور خداوند در جهان، به آنان گفت: چرا برای خدا شکوهی قائل نیستید در حالی که اوست که شما را در گونه های مختلف آفرید... آیا به آسمان ها نگاه نمی کنید که چگونه خداوند هفت آسمان را تو در تو آفرید و در میان آنها ماه را چون نوری و خورشید را مانند چراغی قرار داد؟ (۲۴) آیا به هوش نمی آید، آن خداست که شما را از زمین برآورد و سپس به زمین باز می گرداند و در نهایت شما را از آن خارج خواهد کرد؛ آری خداست که زمین را چون فرش برای شما گستراند تا از راه های گشوده آن بروید. (۲۵) پیامبر خدا برای زدودن این توهم که او به دنبال دنیاست، گفت: ای مردم من از شما مالی به عنوان اجر رسالت نمی خواهم (۲۶) و پاداش و اجر من تنها بر پروردگان جهانیان است. نوح علیهِ السلام به آنان گفت: مردم مرا امین



خود بدانید و مطمئن باشید که من رسول
امینی برای شما هستم، از خدا بترسید و
(شریعت) مرا اطاعت کنید^(۲۷) و بدانید اگر
خدا بخواهد آنچه را وعده دادم (عذاب الهی
در صورت نافرمانی) خواهد آمد و در آن
وقت شما در برابر آن عاجز خواهید بود.^(۲۸)

*** برخورد قوم نوح^{علیهم السلام} چه بود و در مقابل
این همه روشنگری‌ها و دلسوزی‌ها و نصایح، چه
واکنشی نشان دادند؟

*** رفتار آن‌ها بسیار زشت و ناشایست
بود؛ آنان گفتند: ای نوح همانا با ما بسیار
جدال و گفت و گو کردی، اگر راست می‌گویی
آن عذابی را که وعده می‌دهی بیاور.^(۲۹) ای
نوح ما تو را دیوانه می‌شماریم و اگر از آنچه
می‌گویی دست برداری، به راستی تو را
سنگسار خواهیم کرد.^(۳۰) آری کافران به جای
رو آوردن به حق و حقیقت به یکدیگر رو کرده
و گفتند: خدایاتنان (بت‌های «وَدّ»، «سُوع»،
«یَعُوْث»، «یَعُوْق» و «نَسْر») را رها نکنید.^(۳۱)

بدین ترتیب نوح^{علیهم السلام} از سوی قوم خود
بسیار ستم کشید و مورد آزار قرار گرفت.^(۳۲)

*** چرا نوح^{علیهم السلام} آنگاه که مشاهده کرد
دعوتش مورد قبول قومش قرار نمی‌گیرد و آنان به
هیچ رو به سخنان او توجه نمی‌کنند، باز هم به
دعوت خودش ادامه می‌داد؟

*** حضرت نوح^{علیهم السلام} دعوتش را ادامه داد تا
وقتی که احساس کرد رسالت خود را انجام
داده است و از این‌رو هنگامی که دریافت
دیگر دعوتش نتیجه‌بخش نیست، به
پروردگارش عرض کرد خدایا من مغلوب
قومم شده‌ام، پس مرا یاری ده^(۳۳) زیرا اینان
مرا نافرمانی کردند و به دنبال کسانی رفتند که

اموال و فرزندانشان جز فزونی زیان برای آنان
ثمری نداشت.^(۳۴) خدایا میان من و این قومم
که مرا تکذیب می‌کنند و حاضر به پذیرش
سخنانم نیستند گشایشی ده و من و پیروان
مؤمنم را از میان آنان رها ساز و همگی ما را
نجات ده.^(۳۵) ادامه دارد.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- سوره هود، آیه ۳۱
- ۲- سوره هود، آیه ۲۸ / تفسیر آسان، ج ۷ ص ۲۶۷ و ترجمه
المیزان، ج ۱۰، ص ۲۹۴
- ۳- سوره مریم، آیه ۱۷
- ۴- سوره ابراهیم، آیه ۱۹
- ۵- سوره قمر، آیه ۲۴
- ۶- سوره شعراء، آیه ۱۸۶
- ۷- سوره مؤمنون، آیه ۳۳
- ۸- سوره ابراهیم، آیه ۱۰
- ۹- سوره ص، آیه ۷۳
- ۱۰- سوره بقره، آیات ۳۳-۳۰
- ۱۱- سوره زخرف، آیه ۵۳
- ۱۲- سوره مؤمنون، آیه ۲۴
- ۱۳- سوره حجر، آیه ۳۰
- ۱۴- سوره هود، آیه ۲۸
- ۱۵- سوره آل عمران، آیه ۱۶۴ / سوره جمعه، آیه ۲
- ۱۶- سوره مؤمنون، آیه ۲۴
- ۱۷- سوره شعراء، آیات ۱۱۳-۱۱۲
- ۱۸- سوره هود، آیه ۳۱
- ۱۹- سوره هود، آیه ۲۴
- ۲۰- سوره نوح، آیه ۵
- ۲۱- ترجمه المیزان، محمدحسین طباطبائی، ترجمه ج ۶،
ص ۳۸۲ به نقل از برخی روایات
- ۲۲- سوره نوح، آیه ۷
- ۲۳- سوره نوح، آیات ۱۲-۱۰
- ۲۴- سوره نوح، آیات ۱۶-۱۳
- ۲۵- سوره نوح، آیات ۲۰-۱۷
- ۲۶- سوره هود، آیه ۲۹ / سوره بونس، آیه ۷۱
- ۲۷- سوره شعراء، آیات ۱۰۹-۱۰۸
- ۲۸- سوره هود، آیات ۳۴-۳۳
- ۲۹- سوره هود، آیه ۳۲
- ۳۰- سوره شعراء، آیه ۱۱۶
- ۳۱- سوره نوح، آیه ۲۳
- ۳۲- سوره قمر، آیه ۹
- ۳۳- سوره قمر، آیه ۱۰
- ۳۴- سوره نوح، آیه ۲۱
- ۳۵- سوره شعراء، آیات ۱۱۸-۱۱۷